**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر واحد**

**بحث انسداد**

**تنبیهات انسداد**

**تنبیه اول**

**توضیح فرمایش صاحب فصول**

**بررسی پاسخ شیخ به فرمایش صاحب اصول**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه هفتاد و سوم\_17 اسفند 1398**

خلاصه سخن صاحب فصول این شد که چون ما علم اجمالی داریم به اینکه در زمان حاضر مکلف به تکالیف فعلیه­ایی هستیم و نمی توانیم نه به این ها علم پیدا کنیم و نه راهی داریم که قطعا جایگزین علم باشد چون فرض انسداد را می کنیم پس باید شارع راه حل دیگری را برای ما بیان کرده باشد ولو ان راه حل ظنی باشد به طریقی که لا دلیلَ علی عدمِ حجیته. پس علم اجمالی داریم که نتیجه مقدمات انسداد این می شود که شارع راهی را نصب کرده است که لا دلیل علی عدم حجیته، پس نتیجة الانسداد، حجیت ظن است در طرق، در اصول؛ نه در مسائل فقهیه.

مجموعا 5 اشکال شیخ اعظم اعلی الله مقامه دارند که 4 اشکالش را تا کنون بیان کرده ایم و اشکال پنجم اشکال اساسی تری است مبنایی نیست. بنایی است.

اشکال اول این بود که ما ممکن است بگوییم اساسا لازم نیست شارع طرقی را اصولی را برای رسیدن به احکامش نصب کند چه اینکه اگر چنین چیزی بود، لَبانَ و ظَهَرَ. داعی بر اختفا نبود و ممکن است بگوییم شارع ما را در چنین مواردی احاله داده است الی ما هو المتعارف بینهم. یعنی بین عقلا. فی امتثال احکامهم العرفیة.

اشکال دوم این است که سلمنا که در زمان وجود امام و دسترسی به محضرش زمانی که انسداد نبود، طریقی نصب شد اما از کجا که ان طریق الان هم دست ما باشد، ان طریق خبر مفید اطمینان در اثر قرائن است؟ این مال قبل است. یا خبر عادل و ثقه است از راه بینه. اینکه با توجه به انقطاع اسناد علم رجال قابل قبول نیست. این جمله شیخ در صفحه 443 و 444 نشان از انسداد می دهد، در انسداد صغیر در علم رجال، به هر حال.

ثالثا؛ سلمنا طریقی شارع نصب کرده است و آن طریق هم الان بین همین طرق ظنیه ایی است که بین ماست. خبر و اجماع منقول و شهرت و استقراء و اولویت قطعیه و امثال ذلک. بین این هاست این طریق ولی شما در چنین جایی اکتفا کنید به متیقن از این طرق. اگر وافی بود به غالب احکام خب اکتفا به همان می کنید اگر وافی نبود متیقن از باقی. لذا می گوییم خبر صحیح و اجماع منقول متیقن بالنست مثل شهرت و بقیه امارات. باید مراجعه کنید به قدر متیقن.

اشکال چهارم؛ که در همین اشکال بحث ما بود این بود که اگر هم فرض کنیم قدر متیقنی در کلام نیست خب چرا سراغ احتیاط نمی­روید؟ چون احتیاط مقدم است بر عمل به ظن. چرا احتیاط مقدم است بر عمل به ظن؟ چون امتثال علمی مقدم است بر امتثال ظنی. مگر اینکه دلیل داشته باشیم که امتثال علمی لازم نیست. چنین دلیلی را هم نداریم. پس رجوع می کنیم به احتیاط. بله گاهی هست که ما یک احتیاط در مساله اصولیه داریم که نصب طریق. یک احتیاط در مساله فرعیه نتیجه این می شود باید به احتیاط عمل کرد در مساله اصولیه به راه امتثال علمیش اکتفا کرد مگر اینکه معارض بشود با احتیاط در مساله فرعیه.

فالعمل مطلقا علی الاحتیاط.

مگر این که در اثر این مراجعه به احتیاط حرجی لازم بیاد. اگر ما بخواهیم در خود مساله احتیاط جاری کنیم.

خب این یک مروری به چهار اشکال.

حال توجه بفرمایید اشکال پنجم:

سلمنا و از همه ان چه گفتیم چشم پوشی می کنیم می گوییم علم اجمالی داریم به وجود یک طریق مجعول و سلمنا که قدر متیقن هم نداریم، و سلمنا که احتیاط هم واجب نیست، از همه انچه در این چهار اشکال گفته شد غمض عین کردیم و لی چرا شما می فرمایید نتیجه انسداد حجیت ظن در خصوص طرق و اصول است؟ نهایتا بفرمایید نتیجه مقدمات انسداد جواز عمل به ظن در طرق است نه وجوب. این تنها راه نیست چرا جواز عمل به ظن در مسائل فرعیه را مطرح نمی کنید؟ بفرمائید همانطور که در مسائل فرعیه می توان به ظنون عمل کرد، در مسائل اصولیه هم می توان.

و خامسا، سلمنا العلم الاجمالی به وجود الطریق المجعول و عدمَ المتیقن(یعنی و سلمنا عدمَ المتیقن) و عدمَ وجوب الاحتیاط.(یعنی سلمنا که احتیاطی لازم نیست)

لکن می گوییم این باعث نمی شود که ظن در خصوص مسائل اصولیه حجت بشود.

لکن نقول: إن ذلک لا یوجب تعیین العمل بالظن فی مسألة تعیین الطریق فقط (چرا فقط میخواهید در مساله اصولیه ظن را حجت کنید؟)، بل هو مجوز له،(نهایت بیان شما این است که در مساله اصولیه عمل به ظن جایز است) کما یجوز العمل بالظن فی المسألة الفرعیة.(همانطوری که عمل به ظنون در مساله فرعیه هم جایز است. شما میخواهید بگویید نتیجه انسداد حجیت ظن در مساله اصولی است فقط. این فقط را از کجا می اورید؟)

و ذلک، لان الطریق المعلوم نصبه إجمالا، إن کان منصوبا حتی إنفتاح باب العلم، فیکون هو فی عرض الواقع مبرءاً للذمة، بشرط العلم به، کالواقع المعلوم.

مثالش را از تقریرات عرض می کنم. اگر فرض کنیم که بینه اقامه شد که ذهاب حمره مشرقیه شد و وقت نماز مغرب. این از یک طرف و بینه هم امد بینه عادله. از طرفی خودم هم می توانم بروم نکاه کنم، تحقیقی کنم، ببینم ذهاب حمره مشرقیه شده است یا نه با رویت و امثال رویت. ایا حتما باید بروم خودم ببینم؟ نه. یا حتما باید به بینه عمل کنم؟ نه. به هر کدام که خواستم می توانم عمل کنم. پس همچنان که می توانم به بینه عمل کنم، به ان راه رسیدن به واقع هم میتوانم عمل کنم. این مال بحث انفتاح است.

اما اگر بحث انسداد باب علم تفصیلی به وجوب امد،

تعین العمل فیهما بالظن. فلا فرق بین الظن بالواقع و الظن بمؤدی الطریق، فی کون کل واحد منهما إمتثالا ظنیا.

اگر زمان انسداد شد من می توانم به هر یک از این دو ظن عمل کنم، چه ظن به واقع، ظن در مساله فرعیه. چه ظن به مودی طریق. ترجیحی بر یکدیگر ندارند. اگر انسداد است هم ظن به واقع می تواند مرجعیت پیدا کند و هم ظن به مودی طریق. در صورت انسداد باب علم به این طریق و در صورتی که این راه از راه های دیگر قابل تشخیص نیست که خصوص این راه برای من حجیت داشته باشد، عقل حکم نمی کند که حتما باید سراغ به طریق بروی. از کجا؟ هم ظن به طریق و هم ظن به ان واقع هر دو می تواند مرجعیت داشته باشد.

این اشکال پنجم در بیان مرحوم شیخ انصاری.

ادامه اش توضیحات لازمی هست که باید ان ها را بعدا ارام ارام برایتان عرض کنیم. اجازه بفرمایید دو خط از تقریرات را بخوانم توضیحات بیشتر جلسه آینده.

صفحه 216، مطارح الانظار، اشکال پنجم؛

الخامس : سلّمنا جميع ذلك، وأغمضنا عن كلّه لكنّ الدليل لا ينتج النتيجة المطلوبة (این حرف هایی که می خواهید نمی دهد. چیست ان نتیجه ایی که می خواهید؟) التي هي حصر الحجّة في الظنّ في الطريق.(که بگویید حجت فقط ظن اصولی و ظن به طریق است)

وبيان ذلك : أنّ الطرقَ المنصوبةَ إمّا أن تكونَ طرقا حالتي الانسداد والانفتاح ، أو في حالةِ الانسداد فقط وإن كان جعلُها في حالة الانفتاح ،(در حال انفتاح جعل شده است اما حجیتش برای زمان انسداد است) وعلى التقديرين( یعنی چه طریق فقط برای انفتاح باشد یا برای انفتاح و انسداد با هم باشد) لا ملازمة بين المقدّمات التي ذكَرها (هیچ ملازم هبین مقدماتی که صاحب فصول گفت) والنتيجة التي قصدها.

پس آخرین اشکال این است که شما می خواهید بگویید نتیجه مقدماتی که من گفتم اگر انسدادی شدیم می شود حجیت ظنون در مسائل اصولیه فقط. در طرق فقط. ما در این کلمه فقط مناقشه داریم. حتما هم مطارح را نگاه بفرمایید هم رسائل را ملاحظه بفرمایید بحث دقیقی است ان شاء الله در جلسه اینده با زبان ساده تری مطلب را تقریر خواهم کرد.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد صلی الله علیه و آله و سلم.